

استاد در مجلس درش می‌گفت:

– یکی از روزهای سرد زمستان بود، زمستان سخت همدان، بیماری ناتوان در بستری از درد به خود می‌پیچید و خستگی، چهره‌اش را سخت فرسوده بود. کسانی که گرداگردش نشسته دست امید شسته بودند و می‌دانستند که مرد بیمار ساعتی چند بیش، مهمان آنان نخواهد بود.

بیمار نیز خود از حال خویش خبر داشت و با این همه، دم فرو بسته بود و سخن نمی‌گفت. چراغی بود که به آرامی فروکش می‌کرد و هیچ‌کس نمی‌توانست فتیله این چراغ را بالاتر کشد. طیبیان گفته بودند که هر چه می‌خواهد از او دریغ مدارید زیرا که در واپسین دم خواهش دل هر بیمار آشفته‌حالی را برآورده باید کرد.

طیبیی فرزانه که بر بالین او بود ناگاه نگاهش به چشم پر از اشاره بیمار افتاد، دید که بیمار لب می‌چنانسد و زیر لب چیزی می‌گوید. نفسش به زحمت از سینه بیرون می‌آید. طیبس سر پیش برد و گوش فرا داد.

بیمار آهسته می‌گفت: «پرشان دماغم ساقی کجاست؟»

طیب مسی‌حادم از این اشاره حقیقت را دریافت. دست پیش برد و از طاقچه اتاق جامی برداشت و در گلولی بیمار ریخت. بیمار تکانی خورد و در بستر به نیمه قامت نشست. یکی از آن میان بالشی بر پشتش گذاشت تا متکایی آسودتر یابد و بیمار چون به آسودگی قرار گرفت با صدای آهسته گفت:

– بدیع‌الحکما پیش بیا

طیب مسی‌حادم، بدیع‌الحکمای همدانی بود سر پیش برد و آهسته گفت:

– گوشم با شماست.

بیمار با صدایی خسته و دلی شکسته گفت:

بدیع‌الحکمای خودم می‌دانم که این نفس‌های آخر و دم آخر است.

طیب خواست که او را دلدار ی دهد، اما بیمار که پنداشتی همه نفسش را برای حرف آخر در سینه پنهان داشته بود زهرخندی زد و گفت:

– بیهوده سعی نکن که دلداریم بدهی، راحت می‌شوم، راستی راحت می‌شوم. اما می‌خواهم پیش از مردم چیزی در گوشت بگویم، حرفی را که فقط به تو می‌توان گفت.

طیب به گمان اینکه بیمار را وصیتی است، ناگهی به چهره‌اش انداخت و بعد رو به حاضران کرد و پنهان از چشم او گفت:

– بروید بیرون می‌خواهد وصیت کند.

بیمار که هوش و هواسش به جا بود خنده‌ای کرد و د گفت:

– الهی خیر ببینی حکیم، خوشم نمی‌آید بیگانه‌ای در اتاق باشد.

اتاق خلوت شد. بیمار ناگاهی به طیب انداخت و گفت:

– بدیع‌الحکما در این دم آخر که می‌خواهم بارم را ببندم و بروم، حرفی است که فقط با تو در میان می‌گذارم، مرا که خوب می‌شناسی می‌دانی من که هستم؟

– اختیار دارید، این چه حرفی است که

می‌فرمایید؟

– می‌دانی من مثل کسانی که می‌خواهند تمام حجت کنند دلم می‌خواهد یک دفعه به زبان خودت بگویم که من که هستم تا خیالم راحت باشد.

– شما جناب ابوالقاسم عارف قزوینی شاعر ملی ایران هستید. مردم ایران زمین سال‌ها به شعر، تصنیف، هنر و آواز شما زندگی کرده‌اند، شما به حق شاعر ملی لقب گرفته‌اید.

– آفرین بدیع‌الحکما، پس در اینکه من شاعر ملی هستم و این لقب را مردم به من داده‌اند شکی نیست. اما من می‌خواهم در این دم آخر حرفی را که نزدیک چهل سال در گلویم عقده شده است و جرأت گفتش را ندارم آهسته در گوش تو بگویم و چون جان به جان آفرین سپردم تو این راز را با صدای بلند بر مردمان فاش سازی و از قول من بگویی عارف این شاعر ملی در لحظه‌ای که جان می‌داد و چانه می‌انداخت سسر بیخ گوش من آورد و آهسته در گوش من گفت: «من در تمام مدت عمرم از بوستان سعدی و چهچهه بلبل چیزی نفهمیدم»

بیمار این را گفت و راست چون چراغی که روغنش تمام شده باشد خاموش شد.

۲

این قصه را تقریباً همه شاگردانی که طی سال‌های متمادی و دوره‌های مختلف در محضر درس سخن‌سنجی استاد صورتگر شاگردی کرده‌اند به یاد دارند. دکتر صورتگر معمولاً درشش را با لطفه‌های شیرین چاشنی می‌زد و مطبوع‌تر می‌کرد و آنچه را که در بالا حکایت کردم، فقط از دکتر صورتگر آن هم در کلاس سخن‌سنجی استاد شنیدام و چون نقش بر سنگ در ذهن من بر جای مانده زیرا که در این حکایت سخن از مردی پرشهرت و بلندآوازه در میان است. مردی که شاید هجای بزرگ ایرج، قمش را دوچندان بر سر زبان‌ها انداخت. گمان می‌بردم که عارف شاعری محتاط و سراینده‌ای بزدل و ترسو بوده است زیرا حکایت استاد به این نکته اشارت داشت. اما روزی که مرا واداشتند دیوان عارف را نکته به نکته و مو به مو بخوانم در نامه‌ای اخوانی از عارف به دوست نادیهای به نام محمدرضا هزار به نکته‌ای بس شگرف برخوردم در این نامه عارف پس از شکایت از حال خود در جواب «هزار» که پرسیده است چرا این همه زار و نزار شده‌ای چنین می‌نویسد:

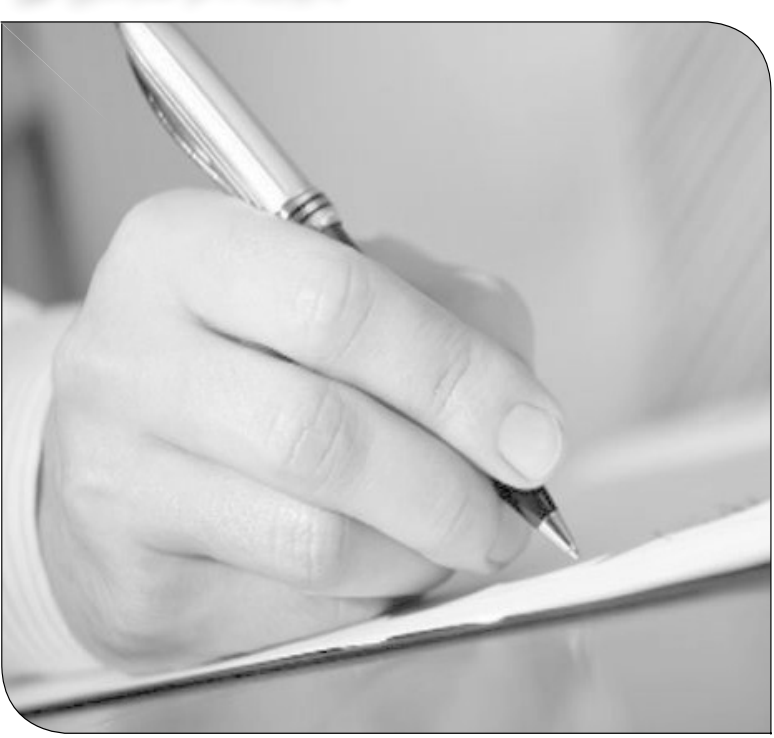
«دوست مهربان من هیچ تعجب نکند که من شسته و پیر شده‌ام. چون اگر شرح علل و جزئیات آن می‌آمد ممکن بود شما هم از خواندن یا شنیدن آنها پیر می‌شدی. تنها قدر شناسی و فراموشکاری ملتی کافی است.

ای کاش فقط فراموشکار بودند و کاری به کار من نداشتند و می‌گذاشتند آخر عمر خود را به ... بازی تمام می‌کردم ولی با این همه بدبختی باز دست از گریبانم برمی‌دارند.

مثلا سال گذشته چندین مقاله به امضای آقای صورتگر در شفق سرخ خواندم حالا این شخص کیست و با چه پولی در لندن زندگی می‌کند نمی‌دانم. ولی چیزی که دانستم این تمام

عارف قزوینی تو شاعر نیستی تصنیف‌سازی

به روایت: دکتر صدرالدین الهی



مقصودش از این مقالات مسلسل زحمت خاطر من بوده است.

گذشته از گوشه و کنایه‌ها در یک جا نوشته بود عارف چرا گفته است ما چه هستیم. ولی نه به این سادگی طوری نوشته بود که تیر به انسان می‌خورد. من اگر آن قسمت‌هایی که در مجلات و در جراید نسبت به خود خوانده‌ام را یادداشت کرده بودم خود آنها کتاب کوچکی می‌شد.»

یاللعجب کدام را باور کنیم؟ گفته استاد را؟ یا سایقه‌ای که از استاد در نزد عارف است؟

دیوانش را ورق می‌زنم. یاد می‌آید که استاد فرموده بود عارف از بوستان سعدی دل خوشی نداشت. به یک مثنوی می‌رمم، مثنوی پندآمیز پر از غمی است درست در وزن بوستان در بحر مقارب بعضی از ابیاتش عظیم بلند است و رفیع و سخت استوار.

چنان که از عارف انتظار نمی‌رود یا از عارفی که مردم ما می‌شناسد توقع نمی‌توان داشت نبود همه عمر موقع شناس خوش آمد نگفتم خدا را سیاس از این راه چیزی نیندوختم چو دیگر کسان شعر نفروختم به ندرت اگر شعر من گفتام از این کار جز زحمت و دردرس نشد حاصلم هیچ چیز دگر فکر می‌کنم که من خطا کرده‌ام. شاید فقط استاد، چهچهه بلبل را گفته است. غزل‌هایش را

استاد بشناسم. سال‌ها پیش‌تر از آن در نیمه راه بلوغ. روزی شاگرد بزرگتری در کلاس مدرسه متوسطه، کتابی را آورد و ما را گرد خود جمع کرد و اشعاری را نترمت از ایر و روان‌تر از آب، برآیمان خواند. شعرها سخت عریان و بی‌برده بود و پر از هجای شاعری.

شاعری دیگر، چون کتاب شعر، ما را در سکر پر از تخیل بلوغ فرو برد و از آن سرخوشی بسی دیر بیرون آمدیم. من نام شاعر را جستم و آن را یافتم «ایرج» نام داشت. اما او یکی را مدح کرده و هجا گفته بود.

این یکی را از روی شعر ایرج شناختم. نامش «عارف» بود و آن منظمه رغبت‌انگیز، جوان‌پسند، سراسر اختصاص به ذم این دومی داشت با زبانی زلال‌تر از آب.

شنیدم من که عارف جانم آمد رفیق سابق تهرانم آمد
سندم خوشوقت و جانی تازه کردم
نشاط و وجد بی‌اندازه کردم
به نوکرها سپردم تا بدانند
که گر عارف رسد از در نرائند
نگویند این جناب مولوی کیست؟
فلائی با چنین شخصی آشنا نیست
نهادم در اتاقش تختخوابی
چراغی، حوله‌ای، صابونی، آبی
عرق‌هایی که با دقت کشیدم
به دست خود درون گنجه چیدم
مهیا کردمش قرطاس و خامه
برای رفتن حمام، جامه
فراوان جوجه و تیهو خریدم
دو تایی احتیاطا سر بریدم
نشستم منتظر کز در درآید
ز دیدارش مرا شادان نماید

می‌نگرم، پر از وصف بلبل است.

تصنیف‌هایش را می‌بینم از صدای بلبل لبریز است.

بلبل چو من شد در چمن

دستان سرا بهر وطن

دیدگی که ظالم تیشه‌اش را آخر به پای خویش زد. با مطالعه دیوان عجیب عارف حیرتی بزرگتر بر من سنگینی می‌کند این دیوان را به چشم بازتری باید خواند.

اما پیش از خواندن آن باید ذهنم از آنچه استاد فرموده است، پاک شود. راستی نکند استاد خود می‌خواسته استنباط خودش را بفرماید. اما از ترس جرات نکرده است بگوید «چه‌ها شاگردان عزیز من شما که در مدرسه ادبیات نشسته‌اید و من که معلم سخن‌سنجی شما هستم و باید ترازوی سنجیدن سخنه و ناسخته را به دست شما بسپارم.

این را از من دکتر لطفلی صورتگر به یاد داشته باشید که من با همه مقامات علمی و پایه‌های بلند که در نظم و نثر فارسی دارم و آن مایه که در زبان فرنگ‌بان به دست آورده‌ام از بوستان سعدی و چهچهه بلبل چیزی نفهمیده‌ام.» راستی چه عصر بی‌جرائی داریم. خدا جرأت گفتن حقیقت و احساس را به همه ما عنایت کند تا استخوان مرده‌ای را در گور نلرزانیم.

۳

دیدار از چشمی پر از طنز

پیش از اینکه عارف بزدل ترسو را از چشم

پس می‌بینیم که شاعر مهمانش را چهل ساله می‌داند. خوشگل می‌بیند، معمم بوده، کلاهی شده است و ایرج او را از آینده نویدم می‌کند و امیدش را می‌برد.

شوخی را ادامه می‌دهد:

بیا عارف بگو چونست حالت

چه بود از مشهدی گشتن خیالت

تو را بر این سفر کی کرد تشویق

تو و مشهد تو و این حس توفیق؟

تو و این آستان آسمان جد برده راه؟

مگر شیطان به جنت می‌برد راه؟

می‌بینیم که شاعر از تهران رسیده پایه درستی در دین و ایمان ندارد که رفیقش از مشهد آمدن او تعجب می‌کند. آنگاه از او می‌پرسد که علت به مشهد آمدش چیست؟

و سپس بعد از همه این طعنه‌ها و شوخی‌های نخست پوزش می‌خواهد.

مرنج از من که امشب مست بودم

به مستی با تو گستاخی نمودم

من امشب ای برادر مست هستم

چه باید کرد مخلص می پرستم

ز فرط مستی از دستم فتد کلک

چکد می گر ببفشارم به هم پلک

کنار سفره از مستی چنانم

که دستم گم کند راه دهانم

اما در خم این مستی، اگر عارف گریه را بپهانه می‌کنسد، او گفتن حقیقی را برای دوست بپهانه می‌تراشد و خشمی.

بیا عارف که روی کار برگشت

مرا با تو روابط تیره‌تر گشت

شنیدم در تناثر باغ ملی

برون انداختی حلق جبلی

به جای بد کنشایدی سخن را

بسی بی‌ربط خواندی آن دهن را

الهی می‌زد آواز تو را سن

که دیگر کس نمی‌دیدت سر سبن

کنی با شعر بد عرض کیاست

غزل سازی و آن هم در سیاست

تو آهویی مکن جانا گرازی

تو شاعر نیستی، تصنیف سازی

برده از رازی می‌افند که خواننده تا بدان دقیقه در این راه سرگردان است. نشان داده می‌شود که عارف این شاعر از تهران رسیده شاعر نیست و این اولین بار است که ترکیب تصنیف‌ساز به عنوان صاحب یک حرفه به شعر فارسی وارد می‌شده و در مقام قیاسه و سنجش با شعر قرار گرفته است.

تصنیف سبزه‌های که امروز از این راه زندگی می‌کنسد اگر هیچ به عارف مدیون نباشد این بر ذمه آنهاست که نخستین بار شاعری چون ایرج وقتی که خواست شاعر دیگری هجا بگوید دانسته یا ندانسته این کلمه تصنیف‌ساز را در ادبیات فارسی و فرهنگ ادب درآورد و آن را به عنوان کاری مقابیل شاعری به مردم عرضه داشت. عارف خود از این شغل دلنگ نیست و این هنر را خرد ارزش و اندک مقدار نمی‌داند.۱

۱ – **نقل به اختصار، هفته‌نامه فرهنگی و هنر کتابستان – شماره ششم اسفندماه ۱۳۹۵**

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رأی شماره ۱۱۰۰۷۹۱۸-۳۱۱۰۰۳۱۱۰۰۱۳۹۶۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی سید حسن فلسافیوئهٔ فرزند سید هاشم به شماره شناسنامه ۱۹۳ صادره از قم در شش‌دانگ یکباب خانه به مساحت ۲۶۰/۲۹ مترمربع پلاک ۳۶۶۲ فرعی از ۲۰۶۹ اصلی مغرور و مجزی شده از پلاک ۵۶ فرعی از ۲۰۶۹ اصلی واقع در بخش چهار شیراز خریداری از مالکین رسمی زهرا فاطمه خواهان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۶/۷
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۶/۶/۲۲
۱۱۸۴۴/م الف
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک شیراز حمید کشاورز

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رأی اصلاحی شماره ۱۱۰۰۷۹۸۴-۳۱۱۰۰۳۱۱۰۰۱۳۹۶۰ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی علی‌میراد پارسائی فرزند سهراب به شماره شناسنامه ۲۴۱۸ صادره از ممسنی در شش‌دانگ یکباب خانه به مساحت ۱۳۷/۷۰ مترمربع پلاک ۲۰۰۵ فرعی از ۲۱۴۸ اصلی مغرور و مجزی شده از پلاک ۲۶۰ فرعی از ۲۱۴۸ اصلی واقع در بخش چهار شیراز خریداری از مالک رسمی سید حسن جتعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۶/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۶/۷/۶
۱۳۷۶۵/م الف
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک شیراز حمید کشاورز

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رأی شماره ۱۱۰۰۳۴۹۴-۳۱۱۰۰۳۱۱۰۰۱۳۹۵۶-۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی علی‌اکبر عراشوری فرزند نصرت‌الله به شماره شناسنامه ۲۳۸۲ صادره از شیراز در شش‌دانگ یکباب کارگاه به مساحت ۲۹۱/۵۷ مترمربع پلاک ۱۰۲۶ فرعی از ۲۱۴۵ اصلی مغرور و مجزی شده از پلاک ۳ فرعی از ۲۱۴۵ اصلی واقع در بخش چهار شیراز خریداری از مالکین رسمی اکبر پایدار و شرکاء محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۶/۷
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۶/۶/۲۲
۱۱۸۴۷/م الف
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک شیراز حمید کشاورز

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رأی شماره ۱۱۰۰۷۹۰۷-۳۱۱۰۰۳۱۱۰۰۱۳۹۶۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی فرح‌ناز وشاهی فرزند عوفی به شماره شناسنامه ۱۱۰۷ صادره از آبادان در شش‌دانگ یکباب خانه به مساحت ۲۰ مترمربع پلاک ۲۲۳۴ فرعی از ۲۰۸۱ اصلی مغرور و مجزی شده از پلاک ۲۰۸۱ اصلی واقع در بخش چهار شیراز در حصه مشاعی خودش محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۶/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۶/۷/۶
۱۳۷۶۴/م الف
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک شیراز حمید کشاورز

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رأی شماره ۱۱۱۱۶۴-۳۱۱۰۰۳۱۱۰۰۱۳۹۶۶-۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی علی‌اکبر عراشوری فرزند نصرت‌الله به شماره شناسنامه ۱۱۸ صادره از شیراز در شش‌دانگ یکباب مغازه به مساحت ۲۷/۱۰ مترمربع پلاک ۶۵۵۹ فرعی از ۱۶۵۲ اصلی مغرور و مجزی شده از پلاک ۵۳۴ فرعی از ۱۶۵۲ اصلی واقع در بخش چهار شیراز خریداری از مالک رسمی حسین جوکار محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۶/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۶/۷/۶
۱۳۷۵۵/م الف
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک شیراز حمید کشاورز

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رأی شماره ۱۱۰۰۳۰۵۶-۳۱۱۰۰۳۱۱۰۰۱۳۹۶۰ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی حکمت‌الله ظفرآبادی فرزند لر به شماره شناسنامه ۱۱۲۹ صادره از شیراز در شش‌دانگ یکباب خانه به مساحت ۱۳۲/۷۹ مترمربع پلاک ۲۲۴۰ فرعی از ۲۰۸۱ اصلی مغرور و مجزی شده از پلاک ۲۰۸۱ اصلی واقع در بخش چهار شیراز خریداری از مالک رسمی یمن دشت چناری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۶/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۶/۷/۶
۱۳۷۶۲/م الف
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک شیراز حمید کشاورز

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رأی شماره ۱۱۰۰۱۲۱۵۲-۳۱۱۰۰۳۱۱۰۰۱۳۹۶۶-۳ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی زربانو فریدونی مصرمی فرزند حسین به شماره شناسنامه ۵۵۵ صادره از شیراز در سه دانگ از شش‌دانگ یکباب خانه به مساحت ۱۶۶/۳۰ مترمربع پلاک ۶۴۵۵۸ فرعی از ۱۶۵۲ اصلی مغرور و مجزی شده از پلاک ۵۴۸ فرعی از ۱۶۵۲ اصلی واقع در بخش چهار شیراز خریداری از مالک رسمی خدارحم رحیمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۶/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۶/۷/۶
۱۳۷۶۰/م الف
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک شیراز حمید کشاورز

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رأی شماره ۱۱۰۰۱۲۱۵۲-۳۱۱۰۰۳۱۱۰۰۱۳۹۶۶-۳ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی زربانو فریدونی مصرمی فرزند حسین به شماره شناسنامه ۱۳۲/۷۹ مترمربع پلاک ۲۲۴۰ فرعی از ۲۰۸۱ اصلی مغرور و مجزی شده از پلاک ۲۰۸۱ اصلی واقع در بخش چهار شیراز خریداری از مالک رسمی یمن دشت چناری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۶/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۶/۷/۶
۱۳۷۶۱/م الف
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک شیراز حمید کشاورز